



سومین میز گرد قضایی - حقوقی اداره کل پیشگیری از وقوع جرم، عفو و سجل قضایی

موضوع نشست: نقش دادگاه در پیشگیری از وقوع جرم



دکتر محمدرضا یزدانیان؛
معاون قضایی و حقوقی سازمان قضایی
نیروهای مسلح

بسیار خوشوقتم که میزبان دانشمندان بنام حقوق کیفری و جرم‌شناسی کشورمان، جناب آقای دکتر نجفی توانا و جناب آقای دکتر غلامی هستیم. حضور شما را صمیمانه خوش آمد عرض می‌کنم. توفیقی حاصل شد تا در جلسه‌ای علمی در خدمت اساتید گرامی باشیم. همچنین لازم است که تشکر و قدردانی کنم از حضور شورای محترم معاونین سازمان در جلسه، رئیس محترم سازمان قضایی نیروهای مسلح استان تهران، قضات محترم دادگاه‌های نظامی، قضات شریف دادر، کارشناسان عزیز، فراگیران دوره عالی و تمامی عزیزانی که در جلسه شرف حضور دارند. علی‌رغم اینکه اساتید وقتشان پر بود لطف کردند و این زمان را به ما اختصاص دادند که مجدداً از حضورشان تشکر و قدردانی می‌کنم. اگر اجازه بفرمایید، به صورت کوتاه خلاصه‌ای از موضوع جلسه را جهت استحضار اساتید و مهمانان گرامی عرض می‌کنم و سپس در خدمت ایشان خواهیم بود.

همان‌گونه که مستحضرید، سازمان قضایی نیروهای مسلح از سال ۱۳۷۷ تاکنون برنامه‌های پیشگیری را در قالب برنامه‌های پنج‌ساله آغاز کرده است، پنج برنامه پنج‌ساله با عناوین تعریف‌شده داشتیم و امسال در سال سوم برنامه ششم را تحت عنوان «مشارکت، تحول و اثربخشی در پیشگیری» قرار داریم. این برنامه‌ها در بسترهای خاصی اجرا شد؛ یعنی در یک ساختارهای معین تعریف‌شده است. برخی از این ساختارها ناظر بر سیاست‌گذاری هستند؛ مانند شورای عالی پیشگیری از وقوع جرایم و تخلفات ستاد کل نیروهای مسلح و شورای سیاست‌گذاری سازمان قضایی. برخی از این نهادها هم وصف اجرایی دارند؛ مانند شوراهای سازمان‌های نیروهای مسلح و شوراهای استانی پیشگیری از وقوع جرم که در معیت این شوراها، کمیسیون‌های تخصصی قضایی و پیشگیری نیروهای مسلح انجام وظیفه می‌کنند. روال کار به این صورت است که در هر سال یک عنوان توسط شورای سیاست‌گذاری انتخاب می‌شود و در آن سال شوراهای استانی و کمیسیون‌های تخصصی علل، عوامل و زمینه‌های

ارتکاب آن جرم را با ارائه راهکارها بررسی می‌کنند. سال بعد آن راهکارها توسط نهادهای متولی اجرایی می‌شود. این خلاصه شیوه و دستور کار شوراهای پیشگیری از وقوع جرم در نیروهای مسلح است. پس ما یک موضوع مشخص داریم؛ بسترهای اجرایی، سیاست‌گذاری تعریف شده و به این سازوکاری که عرض کردم سیاست‌های اتخاذ شده اجرایی می‌شود. نوع پیشگیری ما عمدتاً از نوع وضعی و اجتماعی بوده با اولویت وضعی؛ چراکه بسیاری از سازوکارها و ابزارهای پیشگیری اجتماعی که ناظر بر نهادهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حاکمیتی و غیره هستند، در اختیار نیروهای مسلح نیست. در برنامه ششم، نوع و گونه‌ای از پیشگیری تحت عنوان «پیشگیری قضایی» پیش‌بینی شد. برای اینکه بتوانیم پیشگیری قضایی را در کنار دو نوع دیگر اجرایی کنیم، به این نتیجه رسیدیم که ضرورت دارد این‌گونه پیشگیری فرهنگ‌سازی شود. مفهوم و مبانی پیشگیری قضایی تبیین گردد و جایگاهش در میان گونه‌های علمی پیشگیری مشخص شود. همچنین در

مورد تبیین ابعاد این نوع پیشگیری و کارکردهای آن، دوستان تصمیم گرفتند بهترین راه، تشکیل میزگرد با حضور اساتید برجسته حوزه جرم‌شناسی باشد و به همین علت مزاحم عزیزان شدیم.

دو میزگرد برگزار شد؛ میزگرد اول که در خدمت آقای دکتر غلامی هم بودیم، کلیات بحث شد؛ مبانی نظری، تعاریف، مفهوم و جایگاه پیشگیری قضایی در بین انواع پیشگیری. در جلسه دوم وارد بحث کنشگران پیشگیری قضایی شدیم که در رأس آن، نهاد تعقیب، نقش قضاات دادسرا و اقدامات تحقیقی و تعقیبی در پیشگیری قضایی بررسی شد و خلاصه بحث این بود که نهادهای تعقیب اعم از مقامات تعقیب و تحقیق، با اقدامات تعقیبی و جایگزین‌های تعقیب می‌توانند مدیریت پیشگیری از وقوع جرم را در نیروهای مسلح کنترل کنند و اثرگذار باشند.

جلسه سوم به نقش قضاات کیفری یا قضاات دادگاه در پیشگیری قضایی اختصاص پیدا کرده است. البته این را هم عرض کنم که پیشگیری قضایی به مفهومی که به آن پرداخته شد، فراتر از پیشگیری کیفری است؛ یعنی هم شامل اقدامات پیشینی می‌شود و هم اقدامات پسینی.

حال بنده بیش از این مصدع وقت نمی‌شوم و می‌خواهیم که از بیانات ارزشمند اساتید استفاده کنیم. به هر نحوی که اساتید ترجیح می‌دهند، در وقت‌های پنج تا هفت دقیقه‌ای، برای اینکه تنوعی شود، در خدمت ایشان هستیم. در بخش اول، یک نگاه کلی به موضوع جلسه داشته باشند و در ادامه به نقش قضاات کیفری پردازیم.



دکتر علی نجفی توانا؛ وکیل پایه یک دادگستری، استاد دانشگاه

سپاسگزارم از دعوت مسئولین محترم سازمان قضایی. افتخار بنده است که در خدمت افرادی هستم که در مسیر عدالت قضایی نقش تعیین کننده دارند و یادگار اقداماتشان، به صورت وضعی و انتقالی، در تاریخ قضایی کشور خواهد ماند. اجازه دهید یک مقدمه کوتاه عرض کنم، اولین سؤالی که برای یک دانشجوی حقوق جزا و جرم‌شناسی در طی ۵۵ سال گذشته که ۵۰ سال آن کار عملی بوده و ۴۳ آن را معلمی کرده‌ام مطرح می‌کنم این است: «چرا جرم؟! تا زمانی که چرایی ایجاد جرم و علل و عوامل آن را ندانیم، تمام اقدامات ما سطحی و کم اثر خواهد بود. شما در خصوص فرزندان خودتان هم اولین سؤالی که یک پدر و مادر فرهیخته می‌کند این است که چرا فرزندم مطابق با آن اوصاف و شیوه تربیتی من عمل نمی‌کند. اگر این سؤال را نپرسیم، اگر به چرایی رفتار واقف نشویم تمام اقدامات ما شعاری، فرمایشی و بلااثر خواهد بود. علت عدم توفیق پیشگیری در کشور ما یکی بحث‌های سطحی و عمدتاً شعاری است.

علل جرم مشخص است. به‌ویژه برای شما بزرگوارانی که بزهکارانی که توسط شما نسبت به آنها عدالت کیفری اجرا می‌شود مجرمین یا مرتکبین جرایم خاص هستند که با جرایم عمومی متفاوت‌اند. افرادی که در نیروهای مسلح حضور دارند یا در واقع با توجه به طبیعت جرایم، شما مسئول رسیدگی به آینده آنها هستید. قاضی دادگستری سرنوشت یک متهم را

تعیین می‌کند. جرم متعلق به گذشته است، قضاوت متعلق به امروز و تبعات قضاوت مربوط به فرداست. قضاوتی مؤثر است که انسان‌ساز باشد. البته می‌دانم با وسعت پرونده‌هایی که شما دارید و من هم البته درگیر هستم؛ با قضاات و وکلای سروکار دارم و برای آموزش در جاهای مختلف خدمت‌گزاری می‌کنم. می‌دانید که یک رسیدگی قضایی مؤثر، ریشه‌ای و با علم، دانش و شناخت، تبعات حکم قضایی صادره می‌باشد؛ اما باید از خود پرسیم: آیا حکمی که صادر می‌کنیم موجب احیای انسان می‌شود؟ آیا می‌تواند شخصیت شکسته و فروریخته او را ترمیم کند یا آنکه با برچسب‌زنی وی را در معرض خطرات بعدی قرار می‌دهد؟ و اگر استعداد بالقوه او درجایی قابلیت شکوفایی داشته باشد که امروز در مقام رسیدگی با او مواجه‌ایم، آیا ما با این حکم، با کیفرگرایی و با مجازاتی که قانون بر عهده ما نهاده است، وی را بیشتر تخریب می‌کنیم. شغل قضا بسیار دشوار است. از آن پنج گروه قاضی یک گروهش بهشتی است. پیشگیری قضایی که شما می‌توانید با وجود محذورات مقرر در قانون انجام دهید، با اعمال رأفت اسلامی، رأفت دینی، رأفت انسانی و رأفت اخلاقی محقق می‌شود. اگر بتوانیم به این بیندیشیم که این فرد خود قربانی بی‌عدالتی بوده است، یادمان نرود: «کادالفقر ان یكون کفرا» تمام مجرمین پیش از هر چیز قربانی بی‌عدالتی‌اند. همه ما مرتکب خطا شده‌ایم. کسی نیست که بگوید مرتکب جرم نشده‌ام. هر یک از ما در گذشته چندین مرتبه مرتکب جرم شده‌ایم، هر چند سابقه قضایی نداریم. انسان‌ها گاه تحت شرایط درونی و بیرونی



مورد توجه قرار بدهیم. در واقع همان طور که جناب آقای دکتر نجفی فرمودند، یک رویکرد کلان نظری داشته باشیم و از سوی دیگر بتوانیم با آشنایی به مجموعه‌ای از مقدمات، چه مقدمات قانونی، چه مقدمات اجرایی، از آنها برای پیشگیری از جرم استفاده بکنیم. وقتی بزهدار به درون ساختار قضایی راه پیدا می‌کند، یعنی وارد مرحله‌ای می‌شود که درباره او در مجموعه قضایی تصمیم گرفته می‌شود. بنا به مجموعه‌ای از مباحث پیشین ما فرض را بر این می‌گذاریم که فرد از مرحله دادسرا عبور کرده و حالا رسیده به مرحله دادگاه و در اینجا است که ما قراست راجع به این موضوع بحث بکنیم.

جناب آقای دکتر نجفی مطالبی را به‌طور کلی مورد اشاره قرار دادند. شاید من بخواهم همان مطالب را با یک پلان جزئی‌تری خدمتان عرض بکنم. من تصورم این است که ما به‌عنوان تصمیم‌ساز متخصص؛ از یک سو نیازمند برخی مبانی نظری هستیم و از سوی دیگر نیازمند مدارک و دلایل و شواهد برای تصمیم سازی. اگر ما مجموعه‌ای از مبانی نظری را داشته باشیم احتمالاً به یک چیزی می‌رسیم تحت عنوان «قدرت تشخیص». این کاری است که در نظام پزشکی هم انجام می‌شود. ما ابتدا یک فرد را به‌عنوان پزشک تربیت می‌کنیم، آموزش می‌دهیم و بعد او را وارد یک بیمارستان یا یک مطب می‌کنیم و بعد در کنارش مجموعه‌ای از امکانات را در اختیارش قرار می‌دهیم؛ مثلاً آزمایشگاه در یک بیمارستان یا یک شهر تأسیس می‌کنیم و بعد مجموعه‌ای از کلینیک‌های تخصصی درمانی را در اختیارش

اول بدانید که چرا مرتکب جرم شده؟! تا ندانید تصمیمات شما عمیق نخواهد بود و پیشگیری نخواهد داشت. چون اصولاً یکی از علت‌های تکرار وقوع جرم، محکومیت‌های کیفری است بدون توجه به علت ارتکاب جرم. سپاسگزارم!



دکتر حسین غلامی؛

استاد دانشگاه علامه طباطبایی

با نام و یاد خدا و با عرض سلام خدمت همه شما بزرگواران ارجمند حاضر در جلسه. اساتید در این جلسه موضوع بسیار مهمی را مطرح فرمودند. بزرگوارانی که مدیریت این جلسه را بر عهده دارند. مایلم هم از جناب آقای دکتر یزدانیان و هم جناب آقای دکتر بزرگی و سایر عزیزان تشکر بکنم به خاطر پرداختن به این موضوع در کنار موضوعاتی که در دو جلسه قبل هم داشتیم. اینکه دادگاه‌ها چه نقشی در پیشگیری از جرم می‌توانند داشته باشند. به نظر من منقسم می‌شود به دو شاخه اصلی؛ از یک طرف نقش قضات و از طرف دیگر نقش ساختار و سازمان قضایی. در واقع در یک رویکرد کلان نقش قضات و دستگاه قضایی به‌طور کلی. اگر در اینجا گفته نشد نقش قاضی در پیشگیری از جرم شاید از جمله به این دلیل باشد که می‌خواستند به هردو عنوان توجه بفرمایند؛ هم نقش قضات دادگاه‌ها و هم نقش ساختارها و سازمان قضایی. در واقع منظور پیشگیری است که هم از طریق دادگاه‌ها و قضات به نحو خاص انجام می‌شود و هم از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط.

من فکر می‌کنم که اگر بخواهیم یک مقدار دقیق و عمیق به این موضوع بپردازیم باید یک مقداری مبانی نظری را

ناگزیر به خطا می‌شوند. برای جلوگیری از خطا باید عوامل آن را از میان برداشت. شما زمانی وارد عمل می‌شوید که یک فردی که قربانی عوامل درونی و بیرونی شده را پیش شما بیاورند. نزد شما یک مظلوم، یک قربانی است که اگر زندگی مرده و مرتبی داشت، نیازهایش تأمین می‌شد الان مثل شما اینجا نشسته بود. فراموش نکنید یک اندیشمند جرم‌شناس فرانسوی می‌گوید: «مجرم کسی است که اگر من جای او بودم و او جای من، جایمان با یکدیگر عوض می‌شد»؛ بنابراین در مقام قضا، پیشگیری‌ای که می‌توانید انجام دهید، چون ابزار دیگری ندارید. پیشگیری مال قوه مجریه است. پیشگیری مال قوه مقننه است. اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی را باید کشور رعایت کند. مردم نیازهاشان برطرف بشود؛ ولی شما درگیر قربانیان جرم هستید که خودشان مرتکب جرم‌اند. پیشگیری که شما می‌توانید انجام دهید در واقع استفاده از جایگزین‌های مناسب با توجه به حالت خطرناک است. می‌دانم که امکان تشکیل پرونده شخصیت به معنی کماهو حقه را ندارید. چون ابزارش را ندارید. یک روان‌شناس متخصص، یک جرم‌شناس متخصص، یک جامعه‌شناس متخصص باید شخصیت مجرم را، چرایی ارتکاب به جرم را بررسی کند. شما مانند یک پزشک متخصص شخصیت این فرد را، چرایی ارتکاب به جرمش را روی میز بزنند. کدام پرونده شخصیت دست شماست؟ بنابراین شما باید خودتان شخصیت‌شناسی کنید. این دوره‌ها که ما خدمت شما درس پس می‌دهیم، از شما می‌آموزیم؛ بستری را فراهم می‌کند که وقتی به مجرم رسیدید،



می‌گذاریم. درواقع اگر یکی به پزشک مراجعه کرد این‌طور نیست که پزشک با دیدن روی او و ظاهرش بتواند به یک تشخیص صد درصد تخصصی برسد. برای اینکه به آن قدرت تشخیص تخصصی برسد، حتماً یک سری آگاهی‌ها و مبانی نظری از قبل دارد. آنها را در دانشکده پزشکی آموخته است، ولی برای اینکه ببیند این فردی که سرفه می‌کند چرا سرفه می‌کند؟ مجبور است یک مجموعه‌ای از معاینات و آزمایش‌ها را انجام بدهد. برای این کار اگر بعد از معاینه به تشخیص نرسید حتماً می‌گوید برود آزمایش بدهد. اینجا آزمایشگاه باید در اختیارش باشد و اگر به یک تشخیص رسید و گفت مثلاً خدای ناکرده سرطان مری دارد باید یک مجموعه‌ای از امکانات درمانی در اختیارش باشد که بتواند با توسل به آنها آن قدرت تشخیص و تجویز خودش را عملی بکند تا در نتیجه ما یک فردی داشته باشیم که بهبود پیدا کرده است نه اینکه حالش بدتر شده باشد؛ بنابراین درواقع یک پرسش این هست که یک قاضی در مقام تشخیص و پیش از تشخیص، احتمالاً باید مسلح به چه دانش یا دانش‌هایی باشد؟ چه مبانی نظری را از قبل آموخته باشد؟ اینکه آقای دکتر نجفی اشاره فرمودند مثلاً به جرم‌شناسی، روانشناسی و دانش‌های دیگر که ما کمی و تا حدی در دانشکده‌های حقوق آنها را می‌آموزیم و در اصل باید در سایر دانشکده‌ها هم از تخصصشان استفاده بکنیم؛ یک‌جهت‌ش همین است که بالاخره ما به قدرت تشخیص برسیم.

نکته دیگر این است که ما باید بتوانیم مجموعه‌ای از مدارک و شواهد را به دست

بیاوریم. در قوانین مختلف پیش‌بینی شده، از جمله در قانون آیین دادرسی کیفری؛ مثلاً از «پرونده شخصیت». اگر ما نتوانیم پرونده شخصیت تشکیل بدهیم، طبیعتاً قدرت تشخیص مناسب را نخواهیم داشت. ما به‌عنوان دانشجو یا فارغ‌التحصیل حقوق، همواره در بهترین حالت یک تکنیسین خوب هستیم؛ یعنی آشنای به قوانین هستیم و از ظرفیت‌های قانونی آگاه شده‌ایم. تا حد زیادی می‌توانیم از قوانین جانبی کمک بگیریم. تجربه هم کسب می‌کنیم و می‌توانیم تصمیم بسازیم؛ اما اگر بخواهیم خیلی تخصصی یعنی همان تصمیمی که انتظار داریم یک پزشک وقتی ما به‌عنوان بیمار به او مراجعه می‌کنیم در یک سازوکار پزشکی اتخاذ بکند در اینجا اتخاذ بکنیم، طبیعتاً نیازمند مجموعه‌ای از شرایط دیگر است.

این امر به این معنا نیست که ما اصولاً آدم‌های بیگانه‌ای از واقعیت‌های دستگاه قضایی باشیم؛ چه در این سازمان چه در سازمان‌های دیگر. خوشبختانه سال‌هاست که در کنار فعالیت‌های دانشگاهی و عملی مان با قضات محترم، با دستگاه قضایی در سطوح مختلف ارتباط داریم و واقعاً چالش‌ها و مشکلات و مسائل را کم یا زیاد، البته نه به اندازه شما می‌شناسیم، اما حقیقت این است که داشتن دانش و آگاهی و یک نقشه راه همیشه می‌تواند تا حدی کمک‌کننده باشد ولو در موارد خاص. من یک مورد ساده‌ای را مثال بزنم؛ یک فردی در همین مجموعه خیلی سال پیش متهم بوده است. دانشجویی بوده از دانشجویان دانشگاه شریف که چون می‌خواست کارشناسی ارشد شرکت کند، نیامده خودش را به‌عنوان سرباز معرفی

کند و مشمول غیبت شده است. قاضی محترم ایشان را محکوم کرده بود به مبلغ مشخصی جزای نقدی؛ درحالی که می‌توانست او را به حبس محکوم بکند. خود این اقدام، یک اقدام تشخیصی مناسب برای او بود. برای اینکه اگر در کارشناسی ارشد آزمون داد بتواند به دانشگاه برود و هم اینکه از مزیت‌های قانونی به نحو قانونی استفاده کرد. دهها مورد دیگر را می‌توانیم به‌عنوان نمونه مثال بزنیم. اگر قرار باشد همین چند دقیقه بحث را جمع کنم با همین کلمات درواقع تمام می‌کنم ولی اصل مطلب را اجازه بدهید در جای دیگری به تفصیل بیشتر خدمتان عرض بکنم.

دکتر محمدرضا یزدانیان:

در قسمت اول اساتید محترم یک نگاه علمی و بنیادی داشتند به اصل جرم و بحث علت چرایی شکل‌گیری پدیده مجرمانه و مقام تشخیص بزه و علل و عواملش که همه دوستان استفاده کردند. منتها برای اینکه بحث را یک مقداری کاربردی‌تر و چالشی‌تر کنم، از یک دیدگاه دیگر از محضر اساتید درخواست اظهارنظر دارم. ببینید مطالبی که فرمودید در اهداف مجازات‌ها اشاره شد به مهم‌ترین هدفش که هدف اصلاحی است. بعد از تشخیص علت چرایی و علل وقوع جرم که به‌درستی اشاره فرمودید؛ یک بحث هم بحث اقدامات پیشگیرانه بود که استفاده کردیم؛ اما آقای دکتر یک واقعیت دیگری هم هست؛ جامعه هدف ما یک جامعه خاص است. ما مخاطب خاصی داریم. مخاطبی که مقتدر است. مخاطبی که به اسلحه دسترسی دارد. مخاطبی که موقعیت شغلی خاصی را دارد و به همین



این حالت خطرناک یا بالقوه است یا بالفعل. قاضی دقیق، قاضی‌ای است که حتی برای جرایم کوچک بالقوه بودن حالت خطرناک را تشخیص دهد و این میسر و ممکن نیست جز در پیوند با وظایف مقامات عالی‌تر این سیستم محترم قضایی. حتماً باید چرایی ارتکاب جرم ۱- در وظایف سرباز، افسر و غیره مطالعه میدانی شود؛ ۲- در مسائل مالی که خوب جرایم سنگینی هم در اینجا رسیدگی می‌شود. این را می‌شود طبقه‌بندی کرد. همان‌طور که آقای دکتر اشاره فرمودند تا ندانیم «چرا» واکنش‌های شما متناسب با آن موضوع قابل رسیدگی نخواهد بود. من توصیه‌ام این است که یک پکیج تخصصی-تحقیقاتی، متشکل از عزیزان متخصص از میان خود شما تشکیل بشود و چرایی ارتکاب به جرم را از هر نوع شناسایی کنید. این اطلاعات با توجه به طبقه‌بندی مرتکبین به سن و سال، قومیت، اعتقاد و باورها، مسائل اعتقادی و طبقات اقتصادی و اجتماعی به شما کمک می‌کند برای آینده‌اش تصمیم بگیرید. یادمان باشد در امور مدنی شما «کیس» را مورد رسیدگی قرار می‌دهید، اما در امور جزایی «انسان بما هو انسان».

کسی که می‌خواهد زندگی کند. کسی که جامعه برایش هزینه کرده و کسی که آینده‌اش در دستان شماست. یک موقع ممکن است در مورد یک جرم کوچک برای اینکه مرتکب جرم کلان نشود یک تصمیم تأمینی قوی بگیرید، بدون توجه به تبعاتش. کیفرگرایی نیست، مصلحت‌گرایی است، حقیقت‌گرایی و علم‌گرایی است؛ ولی یک‌وقت هست فردی در گردونه فساد مالی مرتکب جرم شده، می‌توانید کمک کنید خودش را

جرایم و لحاظ قرار دادن بازدارندگی و میزان خطرناکی بعضی از این جرایم، دیدگاه‌های خود را برای جمع بفرمایند.

دکتر علی نجفی توانا:

من فکر می‌کنم که با استحضار و اطلاعی که قضات شریف حاضر از قانون دارند باید از محضرشان بیاموزیم؛ بنابراین نمی‌خواهم وارد جزئیات ظرفیت قانونی یا تقنینی بشوم. مرتکبین جرایمی که در سازمان شما مورد محاکمه قرار می‌گیرند دو بخش هستند؛ یک بخش افرادی هستند که در راستای وظایف مربوط به نظامات نظامی جرمی را انجام می‌دهند. چون من هم یک افسر وظیفه بودم و نظامات را به عنوان یک سرباز می‌دانستم؛ اما جرایم دیگری که یقه‌سفیدها یا یقه‌طلایی‌های جامعه مرتکب می‌شوند، اینها افرادی هستند که وظایف شما در برخورد با آنها وظیفه سنگینی است. آن‌هم در جامعه‌ای که می‌دانیم متأسفانه رانت اثرگذار است. نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است که اقدام شما به عنوان قضات مرجع نیروهای مسلح بیشتر واکنشی است. تبعات و اثرات واکنش‌ها می‌تواند کنشی باشد. یکی از آنها پیشگیری کیفری است؛ ترس، ارعاب. یادمان باشد ارعاب و ترس تا بستر جرم از بین نرود جواب نمی‌دهد. برمی‌گردد به سؤال دقیقی که فرمودند. دقیقاً عرض بنده مشتمل بر دو رویکرد متفاوت است؛ یک رویکرد قضایی قضات محترم است و دیگری رویکرد مقامات عالی نظام قضایی نیروهای مسلح. قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح. در بخش اول برای عزیزان قضات که فرمودند «حالت خطرناک»؛ ببینید

علت هم دادرسی ما دادرسی افتراقی است. در نتیجه اگر بعضی از جرایم را تقسیم‌بندی کنیم و تقسیم‌بندی مبنای علمی هم داشته باشد؛ با آن دیدگاهی که حضرتعالی فرمودید در خصوص جرایمی که اهمیتش کمتر و متوسط است خیلی از راهکارها را می‌توانیم پیدا کنیم؛ اما اگر این مخاطب مقتدر، دارای موقعیت شغلی خاص، تنوع مأموریت و ارتباط متعدد با مردم یعنی شهروندان باشد و در بعضی از بخش‌ها ممکن است یک نفر در روز هفتاد یا هشتاد مورد با مردم و خانواده ما سروکار داشته باشد، حالا در این موقعیت اگر به کرات و به اصطلاح با خطرناکی شدید حقوق شهروندی مردم نقض شود، به حریم خصوصی تجاوز بشود. جرایم مهم مالی، بانکی، سازمان‌یافته که نتوانیم با آن چراها و تشخیص‌ها در مسیر هدف اصلاحی قرار دهیم و با آن روبرو بشویم که گاهی اوقات هم یک واقعیت است که با آن روبرو می‌شویم. در این نوع جرایم روش و به اصطلاح نظر اساتید در مورد پیشگیری چیست؟ ضمن اینکه یکی از اهدافی که نیروهای مسلح از دستگاه قضایی مطالبه می‌کنند، تحکیم مبانی نظم و انضباط در نیروهای مسلح است؛ یعنی ما حتی یک جرم صنفی به ظاهر حالت خطرناک سبکی هم داشته باشیم؛ مثلاً عنوانش «لغو دستور»، «هانت به مافوق» باشد، اگر این قاضی ما نتواند مدیریت بکند و از مدیریت بازدارندگی هم استفاده کند، در این صورت شاید چالش جدی در تحکیم مبانی نظم و انضباط در نیروهای مسلح ایجاد شود. خواهش من از اساتید این است که در نظریه دومی که ارائه می‌فرمایند، باز به عنوان نقش قضات کیفری در این‌گونه

بسازد. آن حالت خطرناک که فرمودند، حالت خطرناک یک ویژگی است در کنار جرم ارتكابی که در سرنوشت کیفری‌اش باید برای شما بسیار مهم باشد. چون شما می‌خواهید کاری کنید که جرم تکرار نشود. مطلب دیگری که می‌خواهم عرض کنم این است که وقتی ما آن داده‌ها و مطالعات را داشته باشیم، با توجه به اینکه شما اندیشمندان بزرگی مانند آقای دکتر یزدانیان و دوستان زیادی که حالا نام نمی‌برم دارید؛ این هسته تحقیقاتی می‌تواند کمک کند و با توجه به آن اطلاعات، استفاده از یک روان‌شناس و یک جامعه‌شناس هزینه‌ای ندارد، البته نه یک لیسانس روانشناسی که الان در زندان از ایشان استفاده می‌کنند که اگر نرود هم خیلی بهتر است. یک جامعه‌شناس یک جرم‌شناس شما دارید. این سه نفر می‌آیند و آن پرونده شخصیت را تشکیل می‌دهند. حداقل سؤالات را طرح می‌کنند تا شما آن سؤالات را مطرح بفرمایید. چون شما سرتان خیلی شلوغ است شاید نتوانید صبر کنید. با توجه به این داده‌ها: ۱- اثر وضعی‌اش این است که شما وقتی می‌خواهید به پرونده یک مجرم رسیدگی کنید، به این ویژگی‌ها توجه می‌کنید؛ ۲- این مهم‌ترین اثر انتقالی آن است. این اطلاعات را به مسئولین محترم قوه قضاییه منتقل می‌کنید که بررسی‌های قضات ما نشان می‌دهد که مرتکبین تحت تأثیر این عوامل دچار بیماری بزهکاری می‌شوند. بزهکار یک بیمار است. انسان فطرثاً پاک است. همه ما در اصل مجرم نبودیم. چه کسی ما را مجرم می‌کند. مرحوم شهید مطهری کتابی دارد به نام «حق و باطل» حتماً بخوانید. کتابی کوچک؛ اما خیلی پرمحتواست. اگر جامعه، جامعه سالم باشد، متعادل باشد،

در آن عدالت باشد، مجرم به حداقل می‌رسد؛ بنابراین در پیوند با سؤالی که فرمودند اول داده‌ها را باید تشکیل دهیم بعد چرایی داده‌ها، سپس تصمیم قضایی. شما می‌دانید و من بعد از ۵۰ سال کار وکالت می‌دانم که تصمیم قضایی‌ای که صرفاً بر اساس اوراق پرونده باشد، در حقیقت تحصیل و جمع‌آوری‌اش خیلی علمی نیست. موجب گمراهی قاضی می‌شود. قاضی اندیشمندی مثل شما باید نیم‌نگاهی به این داشته باشد؛ ولی نگاهی عمیق به انسانی داشته باشد که روبه‌رویش نشسته است؛ بنابراین به‌طور مشخص ما اقداماتمان در بحث قضا واکنشی است. منتهای واکنشی است که می‌تواند جنبه کنشی و پیشگیرانه داشته باشد، به شرطی که منطبق با شخصیت مرتکب باشد، و الا اقدام شما باعث تعمیق جرم در مرتکبی خواهد شد که ابتدا اتفاقی است ولی با اقدام ما تکرار کننده جرم می‌شود. اگر شما زندانیان کشور را بررسی بفرمایید، ۶۰ تا ۷۰ درصدشان اگر دستگیر بشوند مرتکب جرم هستند. اکثرشان تعدد جرم دارند. اینکه خانه من را سرقت می‌کند. تلفن من را سرقت می‌کند. ده فقره، بیست فقره مرتکب می‌شود بعد دستگیرش می‌کنند. ما باید به ریشه‌ها توجه بکنیم؛ از نگاه‌های شما می‌خوانم که می‌فرمایید «ما ابزار نداریم» می‌دانم، ولی امکاناتش را دارید.



علیرضا بیگمردی:

معاون نظارت و بازرسی سازمان

قضایی نیروهای مسلح

تشکر می‌کنم از تشریف‌فرمایی اساتید گران‌قدر و استفاده کردیم از فرمایشاتشان. من از زبان همکاران

قضایی یک سؤال دارم. با توجه به اینکه ما در عمل با پرونده‌هایی مواجه هستیم که باید درباره آنها تصمیم‌گیری کنیم و صرفاً بحث تئوری نداریم؛ شما اشاره کردید که ما باید پس از جمع‌آوری داده‌ها، به چرایی ارتکاب جرم توجه کنیم. در رابطه با جرایم مالی کارکنان دولت و به ویژه نیروهای مسلح، قطعاً یکی از علل مهم، مشکلات مالی است. بی‌تردید حقوق افراد کفاف زندگی را نمی‌دهد. سؤال من این است که حالا که حقوق افراد کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد و این مسئله می‌تواند آنان را به ارتکاب جرایم مالی، خصوصاً رشوه، سوق دهد، ما چه باید بکنیم؟ با توجه به مسائلی که شما اشاره فرمودید، این چرایی را که ما سؤال نکرده هم می‌دانیم، واقعاً یکی از علت‌ها این است. اگر چنین است، آیا باید این موضوع را لحاظ کنیم و مجازات‌ها را تخفیف دهیم و کمترین مجازات‌ها را در نظر بگیریم؟ در حالی که در نتیجه آن روز به روز این جرایم بیشتر می‌شود و آثار جرم را در جامعه به خوبی می‌دانیم. قطعاً هر فردی که به تشکیلات دولتی، شهرداری‌ها و سایر نهادها مراجعه‌ای داشته باشد و همچنین در نیروهای مسلح، با چنین زمینه‌هایی مواجه شده است. اگر این شرایط وجود داشته باشد و افراد با این توجیه که مشکلات مالی دارند، تصور کنند که این موضوع در تصمیمات قضایی ما اثرگذار خواهد بود، آن‌گاه بر سر جامعه چه می‌آید؟ نیروهای مسلح دچار چه آلودگی‌هایی می‌شوند؟ ما گاه با جرایم مهم امنیتی مواجه می‌شویم که پس از بررسی، مشخص می‌شود مرتکب واقعاً



تصمیم را گرفتیم؛ باید بسنجد که تأثیر این تعزیر بر خود فرد و به طریق اولی بر خانواده‌اش و بر جامعه چگونه خواهد بود. پس لازم است هم رویکرد جرم‌شناختی و هم رویکرد کیفرشناختی مورد توجه قرار گیرد. شاید با توجه به مشغله‌هایی که هر کدام از شما بزرگواران دارید فرصت کافی نداشته باشید که اصلاً چه به‌عنوان مدیر در ساختار تحت‌مدیریتان این شرایط را فراهم بکنید و چه به‌عنوان قاضی مستقل پرونده خودتان این دقت‌ها و همین نیازهایی که قانون‌گذار تعیین کرده را داشته باشید. این یک نکته کلی است. به نظر من، قاضی فردی کاملاً متخصص است که فقط متخصص قانون نیست بلکه باید تشخیص دهد یعنی تکنسین نیست، تشخیص دهنده است. او یک پزشک نیست همین که یک دستی اگر دید فرض کنیم یک ذره ورم کرده بگوید یک جایی ضربه خورده، ممکن است ناشی از صد عامل دیگر باشد که باید با تشخیص مناسب این درد را درمان بکند. انتظار قانونی از قاضی این است؛ ولی ممکن است در عمل، چنین فضایی وجود نداشته باشد. ما آنها را درک می‌کنیم. قاضی زمانی می‌تواند به یک تصمیم مناسب برسد که این شرایط را برایش فراهم کنیم که چنین رویکردی را به صورت آرمانی به منصف ظهور برساند؛ اما نکته‌ای که جناب آقای دکتر یزدانیان فرمودند از یک جهت حائز اهمیت است. بزهاران مرتکب سوءاستفاده از قدرت با بزهاران فاقد قدرت متفاوت‌اند و این امر طبیعی است. ما می‌توانیم بزهاران فاقد قدرت را در یک دسته‌بندی پاسخ‌های کیفری قرار بدهیم و احتمالاً نکته اساسی در آن‌جا توانمندسازی است. همان‌گونه

قانون نسبت به قانون جرایم نیروهای مسلح، قانون مؤخر است و اگر بخواهیم به کلیات قانون مجازات اسلامی به‌عنوان مادر قوانین تخصصی در حوزه کیفردهی توجه کنیم، ظاهراً باید نسبت به قانون پیشین از غلبه یا قابلیت استناد بیشتری برخوردار باشد. اگر در این حوزه تفاوتی احساس می‌شود، به نظر می‌رسد در جایی است که اصل را بر تناسب جرم و مجازات قرار می‌دهیم و می‌خواهیم سنگینی جرم را احراز کنیم و متناسب با آن واکنش تعیین نماییم. در اینجا در قلمرو مفهوم سزادهی قرار داریم؛ یعنی می‌خواهیم فردی را مجازات کنیم، خواه مجازات اثرگذار باشد یا نباشد. به عبارت ساده‌تر، در پی اجرای عدالت قانونی هستیم و احتمالاً وظیفه ما در این چهارچوب محدود به همین امر است. در این رویکرد، معمولاً قرار نیست به آثار ناشی از تصمیمات خودمان توجه کنیم؛ اما در ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی و همچنین در ماده (۳۷) همان قانون و بسیاری دیگر از مواد آن قانون از قاضی به‌طور کلی چنین انتظار نمی‌رود. به عنوان نمونه، در ماده (۱۸) تصریح شده است که قاضی در مقام تعیین مجازات‌های تعزیری دقیقاً باید به این نکات هم توجه بکند: انگیزه مرتکب، وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی وی و نیز تأثیر تعزیر بر او؛ یعنی قاضی باید هم به عوامل جرم‌شناختی مؤثر در وقوع جرم توجه کند و هم رویکردی کیفرشناختی داشته باشد. حتی اگر بگویید من این

مشکل مالی داشته است. از یک مشکل مالی کم‌کم به سمت جاسوسی - که از بدترین نوع جرایم امنیتی است - لغزیده است. در جرایمی مانند رشوه، اخاذی و موارد مشابه نیز اغلب مشکلات مالی در آغاز مطرح بوده است؛ اما پس از ورود به این مسیر و عادی شدن رفتار مجرمانه، حتی اگر مشکل مالی اولیه برطرف شده باشد، ولی روز به روز ادامه داده و بدتر و بدتر شده است. به نظر حضرت‌عالی در این‌گونه موارد چه کار باید کرد؟

دکتر حسین غلامی:

من خدمت شما عرض می‌کنم، پیش از هر چیز مایلم به دو ماده قانونی اشاره کنم. آن دو ماده که مربوط به حوزه تخصصی شماسست، ماده (۳) قانون جرایم نیروهای مسلح است. در آنجا آمده است: «در کلیه جرایمی که مجازات حبس تا دو سال است، دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک‌سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف داده و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید». در اینجا عبارت «متناسب با مجازات اصلی» به کار رفته است. در مواد بعدی نیز همین واژه «متناسب» تکرار شده است.

در ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی نیز عبارت دیگری آمده است: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به‌نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند». طبیعتاً شما بزرگواران میان «متناسب کردن مجازات» و «مناسب کردن پاسخ» قائل به تفاوت هستید. این



که آقای دکتر نجفی فرمودند، ما در جامعه‌های زندگی می‌کنیم که با توجه به واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یکی از مفاهیمی که می‌تواند ما را در درک و فهم آن کمک بکند شاید یک جامعه آسیب‌دیده باشد. جامعه آسیب‌دیده از زوایای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و غیره خودش آسیب‌زاست و در درون و بطن خود کسانی را آسیب‌دیده می‌کند. شکل‌گیری این حلقه به اصطلاح معیوب آسیب‌دیدگی و آسیب‌زایی، عملاً هیچ‌وقت از بین نمی‌رود، مگر اینکه یک مداخله مؤثری بکنیم و گرنه همچنان شاهد وقوع جرم خواهیم بود. اگر بخواهیم ببینیم که آیا مجازات‌ها در ایران مؤثر بوده‌اند یا خیر، می‌توانیم به موضوع مواد مخدر نگاه کنیم. آیا مادر مبارزه با مواد مخدر موفق بوده‌ایم؟ آیا اقدامات بسیار شدید ما که در دنیا بی‌نظیر است از این جهت مؤثر در کاهش اعتیاد، ابتلا به مواد مخدر، خرید و فروش، قاچاق، حمل و غیره شده؟ به نظر نمی‌رسد. آیا ما با وجود تأسیس یک سازمان تخصصی مانند سازمان تعزیرات حکومتی، توانسته‌ایم به اهداف مورد نظر دست پیدا کنیم؟ چرا نتوانستیم گرانی‌ها را کنترل کنیم؟ چون اصلاً وقوع گرانی مربوط به سازمان تعزیرات حکومتی نیست، بلکه مربوط به کاهش ارزش پول ملی است. تا زمانی که این اتفاق بیفتد، اینجا هر چه شما مجازات کنید، هیچ تأثیر خاصی را شاهد نخواهید بود. در رابطه با بزهکاران عادی، یک پکیج کلی برای راهنمایی در واقع توانمندسازی است؛ زیرا آنها بزهکاران ناتوان شده و آسیب‌دیده هستند. آسیب‌دیده از تورم، بیکاری و سایر عوامل؛ اما در مورد بزهکاران به اصطلاح قدرتمند،

یقه‌سفید، یقه طلایی و امثال اینها باید یک‌طور دیگری وارد بشویم. یکی از ابزارها پاسخگو کردن آنان است. اگر شما در یک نظام اداری، سیاسی و حقوقی باشید که در آنجا قدرتمندان پاسخگو نباشند و حتی طلبکار یا تهدیدکننده باشند و تمام سیستم را به نفع خودشان تسخیر کنند، طبیعتاً می‌توانند مرتکب فساد یعنی سوءاستفاده از قدرت بشوند؛ بنابراین یک مفهوم کلان در اینجا ایجاد فضای پاسخگو کننده است. این یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب است. چطور شما می‌توانید در سایر قسمت‌های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی شاهد مفهوم پاسخگویی نباشید. حالا که فرد مرتکب سوءاستفاده از قدرت شد و نوبت به شما رسید یک کاری که به نظر می‌تواند انجام بشود این است که از او سلب توان بزهکاری شود. ما چندین رویکرد برای پاسخ به جرم داریم. در رابطه با یکی از آن رویکردها نسبت به برخی بزهکاران باید از آنها سلب توان بزهکاری شود. این ناتوان‌سازی را شما انجام می‌دهید از طریق اخراج، انفعال، حبس‌های طولانی‌مدت و امثال اینها؛ بنابراین ما نیازمند یک تحلیل کلان و نظریه‌مند هستیم تا بتوانیم نسبت به آنها واکنشی قابل پیش‌بینی داشته باشیم.

دکتر محمدرضا یزدانیان:

آقای دکتر استفاده کردیم. برای جمع‌بندی بیانات جنابعالی عرض کنم در جرایمی که با سوءاستفاده از قدرت ارتکاب پیدا می‌کند، برای سلب توانمندسازی مرتکب جرم، یکی از راهکارها می‌تواند استفاده از قانون مجازات‌های اداری، استخدامی یا حتی کیفری باشد.

دکتر حسین غلامی:

این نکته را خدمتان عرض کنم؛ چگونه ممکن است در کشوری، فرض کنید فردی وزیر امور خارجه است و از تلفن عمومی برای کار شخصی استفاده می‌کند و هزینه آن را وزارت امور خارجه می‌دهد؛ اما او را مجبور به استعفا می‌کنند؟ این یکی از گونه‌های پاسخگو کردن است. در نمونه‌های دیگر، شهردار یک شهر با یک تماس تلفنی به فردی می‌گوید هنگامی که فلانی می‌آید استخدامش کن. مجبورش می‌کنند استعفا بدهد. همه را لازم نیست مجازات بکنیم که بگوییم بازدارنده است یا بازدارنده نیست. از مجموعه‌ای از مکانیزم‌های دیگر برای پاسخگو کردن، برای نظارت و برای شفافیت باید استفاده شود. آنها را اگر از کار بیندازیم، برای مثال، اگر شایسته‌سالاری را به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمرانی خوب مدنظر قرار ندهیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم «مجازات»، که آخرین حلقه نظام کنترل اجتماعی و احتمالاً ضعیف‌ترین و استثنایی‌ترین حلقه آن نیز هست کاربردی داشته باشد.

دکتر محمدرضا یزدانیان:

با تشکر از حضور اساتید محترم، جناب آقای دکتر نجفی توانا و جناب آقای دکتر غلامی؛ واقعاً استفاده کردیم. ان شاء الله جمع‌بندی جلسه را به صورت نوشتاری و صوتی در پیام‌رسان‌ها و نشریاتی که داریم در اختیار همکاران محترم قضایی قرار می‌دهیم. با تشکر از همه همکاران به‌خصوص اساتید محترم، ختم جلسه را اعلام می‌کنم با صلوات بر محمد و آل محمد.